

# به مادرم بی حرمتی کرد، او را زدم

13 بهمن 1404

**مرد جوانی که به اتهام قتل پدرزنش یک‌بار به قصاص محکوم اما حکمش از سوی دیوانعالی‌کشور نقض شده بود بار دیگر در شعبه هم‌عرض محاکمه شد.**

دو سال قبل گزارش یک جدال خونین در ملارد به پلیس اعلام شد. مأموران پس از حضور در محل دریافتند که دو مرد جوان با سد کردن راه خودروی مردی میانسال به نام حسام او را با ضربات قمه مجروح کرده‌اند اما ساعتی بعد وی به خاطر شدت جراحات و خونریزی شدید تسلیم مرگ شد. با مرگ حسام کارآگاهان تحقیقات خود را برای شناسایی دو متهم فراری آغاز کردند و با تحقیقات میدانی و بازبینی دوربین‌های مداربسته مشخص شد که ضارب وی دامادش محمود بوده است.

محمود 24 ساعت پس از جنایت خودش را تسلیم کرد و تحت بازجویی قرار گرفت. او در توضیح ماجرا گفت: «من اتهام را قبول دارم اما قصدم قتل نبود. پدرزنم یک روز قبل از این ماجرا همراه همسرم به خانه مادرم رفته و با فحاشی و ناسزاگویی او را رنجانده بودند، من می‌خواستم پدرزنم را ادب کنم.» با اعتراف صریح متهم پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند و قضات بعد از شنیدن دفاعیات متهم و براساس مستندات پرونده و گزارش‌های پزشکی قانونی و پلیس، متهم را به قصاص محکوم کردند. با صدور رأی متهم اعتراض کرد و پرونده به دیوانعالی‌کشور رفت. آنها بعد از بررسی اظهارات متهم و پرونده حکم را به دلیل فقدان قصد یا سوء نیت متهم و کامل نبودن تحقیقات نقض و پرونده را برای رسیدگی به شعبه 8 (هم‌عرض) دادگاه کیفری یک استان تهران فرستادند.

## در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اعلام شد که اولیای دم در جلسه حاضر نشده‌اند اما درخواست‌شان قصاص است. سپس وکیل آنها به جایگاه رفت و گفت: «به وضوح مشخص است که متهم با قصد قبلی و با نیت قتل به سراغ مقتول رفته بود. او با سد کردن راه خودرو و تهیه دو قبضه قمه 40 سانتی متری فقط قصد قتل داشته و در جریان بازسازی صحنه جرم هم به صراحت عنوان کرده که من ضربات را زدم تا مانع ضربات مقتول به خودم شوم. البته در یکی از پیام‌رسان‌ها هم پیام تهدیدآمیزی برای همسرش فرستاده که اگر دخترم را بگیری جان یکی از اعضای خانواده‌ات را می‌گیرم که همه این موارد نشان می‌دهد که متهم با انگیزه قتل به سراغ پدرزنش رفته بود.»

قاضی از وکیل اولیای دم پرسید: «آیا موکلان شما قصد مصالحه دارند؟»

وکیل اولیای دم جواب داد: «متهم هیچ تلاشی برای گرفتن رضایت انجام نداده. هر دو طرف دعوا از اقوام یکدیگر هستند و اگر خانواده متهم می‌خواستند، می‌توانستند با کمک گرفتن از ریش سفیدان فامیل رضایت بگیرند.»

در ادامه متهم به جایگاه رفت و در تشریح ماجرا گفت: «چند ماه قبل به خاطر مشکلات مالی مجبور شدم خانه‌ام را تحویل دهم و وسایل‌مان را به خانه مادرم و پدرزنم بردیم. بعد از آن همسرم به خانه پدرش

رفت و پیغام داد که دیگر نمی‌خواهد با من زندگی کند. دختر 4 ساله‌ام پیش مادرم بود. روز قبل از حادثه و در زمانی که خانه نبودم همسرم با پدرش به خانه مادرم رفته بودند و با توهین و فحاشی مدارکش را برداشته بود. وقتی برگشتم و متوجه ماجرا شدم موضوع را به برادرم گفتم البته از برادرزن‌هایم می‌ترسیدم چون می‌دانستم که آنها ممکن است اسلحه داشته باشند و اگر به سراغشان بروم من را بزنند. به همین خاطر با برادرم اول به کافه رفتیم و نسکافه و چای خوردیم. بعد هم به خانه یکی از دوستانم رفتیم. صبح با برادرم از کوچه پدرزنم رد می‌شدیم که او را داخل ماشینش دیدم به من ریشخند زد وقتی به سمتش رفتم، فکر کردم می‌خواهد از داخل داشبورد اسلحه بردارد اما او به دنبال دستمال کاغذی بود من دو سنگ بزرگ به ماشینش زدم و در را باز کرده و با قمه او را زدم.»

**قاضی گفت:** «چند ضربه زدی و دقیقاً به کدام قسمت می‌زدی؟»

**متهم جواب داد:** «نمی‌دانم. من قصدم کشتن او نبود فقط می‌خواستم او را بترسانم.»

**قاضی گفت:** «شما 7 ضربه به پای مقتول زدی که یکی از ضربات به سفیدران او خورده اگر می‌خواستی به قول خودت او را بترسانی این همه ضربه نمی‌زدی وقتی ضربات ادامه پیدا می‌کند یعنی به قصد کشتن به سراغش رفته بودی. شما از کوچه پدرزننت رد نمی‌شدی کشیک او را می‌دادی و وقتی دیدی داخل ماشینش نشسته با موتور راهش را سد کردی و بعد هم با قمه به سراغش رفتی تا او را بکشی. با این حال تا زمان صدور حکم وقت‌داری تا تلاشت را برای گرفتن رضایت انجام دهی.»

**متهم در واکنش به اظهارات قاضی گفت:** «ما سراغ هرکسی رفتیم گفتند ما بزرگ‌تر آن خانواده نیستیم. حتی ما را راه ندادند تا بتوانیم صحبت کنیم. با این حال من بازهم تأکید می‌کنم که نمی‌دانستم عملم کشنده است و قصدی برای کشتن او نداشتم. اما اگر مجازاتم قصاص هم باشد هیچ اعتراضی ندارم و تسلیمم.»

با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.